

شاهدان رستاخیز مسیح

Von der Auferstehung

¹Ich erinnere euch aber, liebe Brüder, an das Evangelium, das ich euch verkündigt habe, das ihr auch angenommen habt, in dem ihr auch steht,² durch das ihr auch selig werdet, wenn ihr es behaltet in der Weise, wie ich es euch verkündigt habe; es sei denn, dass ihr umsonst gläubig geworden wärt.³ Denn ich habe euch zuerst weitergegeben, was ich auch empfangen habe: dass Christus gestorben ist für unsere Sünden nach der Schrift,⁴ und dass er begraben wurde, und dass er auferstanden ist am dritten Tage nach der Schrift,⁵ und dass er gesehen worden ist von Kephais, danach von den Zwölfen.⁶ Danach ist er gesehen worden von mehr als fünfhundert Brüdern auf einmal, von denen noch viele leben, einige aber sind entschlafen.⁷ Danach ist er gesehen worden von Jakobus, danach von allen Aposteln.⁸ Am letzten von allen ist er auch von mir, einer unzeitigen Geburt, gesehen worden.⁹ Denn ich bin der geringste unter den Aposteln, der ich nicht wert bin, dass ich ein Apostel heiße, weil ich die Gemeinde Gottes verfolgt habe.¹⁰ Aber durch Gottes Gnade bin ich, was ich bin. Und seine Gnade an mir ist nicht vergeblich gewesen, sondern ich habe vielmehr gearbeitet als sie alle; nicht aber ich, sondern Gottes Gnade, die mit mir ist.¹¹ Ob nun ich oder jene: so predigen wir, und so habt ihr geglaubt.

¹²Wenn aber Christus gepredigt wird, dass er von den Toten auferstanden ist, wie sagen dann einige unter euch: die Auferstehung der Toten gibt es nicht?¹³ Gibt es die Auferstehung der Toten

¹الآن، ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم اعلام می‌نمایم که آن را هم پذیرفتید و در آن هم قایم می‌باشید،² و به وسیله آن نیز نجات می‌یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید و الا عبث ایمان آوردید.³ زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتیم؛ که مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد،⁴ و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست؛⁵ و اینکه به کیفا ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده،⁶ و پس از آن، به زیاده از پانصد برادر یک بار ظاهر شد که بیشتر از ایشان تا امروز باقی هستند، اما بعضی خوابیده‌اند.⁷ از آن پس به یعقوب ظاهر شد و بعد به جمیع رسولان.⁸ و آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید.⁹ زیرا من که ترین رسولان هستم و لایق نیستم که به رسول خوانده شوم، چونکه بر کلیسای خدا جفا می‌رسانیدم.¹⁰ لیکن به فیض خدا آنچه هستم هستم و فیض او که بر من بود باطل نگشت، بلکه بیش از همه ایشان مشقت کشیدم، اما نه من بلکه فیض خدا که با من بود.¹¹ پس خواه من و خواه ایشان بدین طریق وعظ می‌کنیم و به اینطور ایمان آوردید.

¹²لیکن اگر به مسیح وعظ می‌شود که از مردگان برخاست، چون است که بعضی از شما می‌گویند که قیامت مردگان نیست؟¹³ اما اگر مردگان را قیامت نیست، مسیح نیز برنخاسته است.¹⁴ و اگر مسیح برنخاست، باطل است وعظ ما و باطل است نیز ایمان شما.¹⁵ و شهود کذب نیز برای خدا شدیم، زیرا درباره خدا شهادت دادیم که مسیح را برخیزانید، و حال آنکه او را برنخیزانید در صورتی که مردگان برنمی‌خیزند.¹⁶ زیرا هرگاه مردگان برنمی‌خیزند، مسیح نیز برنخاسته است.¹⁷ اما هرگاه مسیح برنخاسته است، ایمان شما باطل است و شما تاکنون در گناهان خود هستید،¹⁸ بلکه آنانی هم که در مسیح خوابیده‌اند هلاک شدند.¹⁹ اگر فقط در این جهان در مسیح امیدواریم، از جمیع مردم بدبخت تریم.²⁰ لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبت خوابیدگان شده است.²¹ زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت

nicht, so ist auch Christus nicht auferstanden.¹⁴ Wenn aber Christus nicht auferstanden ist, so ist unsere Predigt vergeblich und euer Glaube ist auch vergeblich.¹⁵ Wir würden aber auch als falsche Zeugen Gottes erfunden, dass wir gegen Gott bezeugt hätten, er hätte Christus auferweckt, den er nicht auferweckt hat, wenn doch die Toten nicht auferstehen.¹⁶ Denn wenn die Toten nicht auferstehen, so ist auch Christus nicht auferstanden.¹⁷ Ist Christus aber nicht auferstanden, so ist euer Glaube vergeblich, so seid ihr noch in euren Sünden.¹⁸ Dann sind auch die, die in Christus entschlafen sind, verloren.¹⁹ Hoffen wir allein in diesem Leben auf Christus, so sind wir die elendesten unter allen Menschen.²⁰ Nun ist aber Christus auferstanden von den Toten und der Erstling geworden unter den Entschlafenen.²¹ Denn da durch einen Menschen der Tod gekommen ist, so kommt auch durch einen Menschen die Auferstehung der Toten.²² Denn wie sie in Adam alle sterben, so werden sie in Christus alle lebendig gemacht werden.²³ Ein jeder aber in seiner eigenen Ordnung: als Erstling Christus; danach die Christus angehören, wenn er kommen wird;²⁴ danach das Ende, wenn er das Reich Gott, dem Vater, überantwortet wird, wenn er aufheben wird alle Herrschaft und alle Gewalt und Macht.²⁵ Er muss aber herrschen, bis er "alle seine Feinde unter seine Füße legt".²⁶ Der letzte Feind, der aufgehoben wird, ist der Tod.²⁷ Denn "er hat alles unter seine Füße getan". Wenn er aber sagt, dass es alles

مردگان شد.²² و چنانکه در آدم همه میمیرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت.²³ لیکن هرکس به رتبه خود؛ مسیح نویر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می‌باشند.²⁴ و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوّت را نابود خواهد گردانید.²⁵ زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید.²⁶ دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است.²⁷ زیرا همه چیز را زیر پایهای وی انداخته است. اما چون می‌گوید که: همه چیز را زیر انداخته است، واضح است که او که همه را زیر او انداخت، مستثنی است.²⁸ اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آنگاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کلّ در کلّ باشد.

²⁹ والاّ آنانی که برای مردگان تعمید می‌یابند، چه کنند؟ هرگاه مردگان مطلقاً بر نمی‌خیزند، پس چرا برای ایشان تعمید می‌گیرند؟³⁰ و ما نیز چرا هر ساعت خود را در خطر می‌اندازیم؟³¹ به آن فخری درباره شما که مرا در خداوند ما مسیح عیسی هست قسم، که هرروزه مرا مردنی است.³² چون بطور انسان در افسوس با وحوش جنگ کردم، مرا چه سود است؟ اگر مردگان بر نمی‌خیزند، بخوریم و بیاشامیم چون فردا میمیریم.³³ فریفته مشوید! معاشرات بد، اخلاق حسنه را فاسد می‌سازد.³⁴ برای عدالت بیدار شده، گناه مکنید زیرا بعضی معرفت خدا را ندارند. برای انفعال شما می‌گویم.

رستاخیز بدن

³⁵ اما اگر کسی گوید: مردگان چگونه برمی‌خیزند و به کدام بدن می‌آیند؟³⁶ ای احمق، آنچه تو می‌کاری زنده نمی‌گردد جز آنکه بمیرد.³⁷ و آنچه می‌کاری، نه آن جسمی را که خواهد شد می‌کاری، بلکه دانه‌های مجرّد خواه از گندم و یا از دانه‌های دیگر.³⁸ لیکن خدا بر حسب اراده خود، آن را جسمی می‌دهد و به هر یکی از تخمها جسم خودش را.³⁹ هر گوشت از یک نوع گوشت نیست، بلکه گوشت انسان، دیگر است و گوشت بهایم، دیگر و گوشت مرغان، دیگر و گوشت ماهیان، دیگر.⁴⁰ و جسمهای آسمانی هست و جسمهای زمینی

untertan geworden sei, so ist offenbar, dass der ausgenommen ist, der ihm alles unterworfen hat.²⁸ Wenn aber alles ihm untertan sein wird, dann wird auch der Sohn selbst untertan sein dem, der ihm alles unterworfen hat, damit Gott sei alles in allem.

²⁹ Was machen sonst die, die sich taufen lassen für die Toten, wenn die Toten überhaupt nicht auferstehen? Was lassen sie sich taufen für die Toten?³⁰ Und was stehen wir alle Stunde in Gefahr?³¹ Durch euren Ruhm, den ich habe in Christus Jesus, unserem HERRN: sterbe ich täglich.³² Habe ich nach menschlicher Weise in Ephesus mit wilden Tieren gestritten, was hilft es mir? Wenn die Toten nicht auferstehen, "lasst uns essen und trinken; denn morgen sind wir tot!"³³ Lasst euch nicht verführen! Schlechter Umgang verdirbt gute Sitten.³⁴ Werdet doch einmal recht nüchtern und sündigt nicht! Denn einige wissen nichts von Gott; das sage ich euch zur Schande.

Der himmlische Leib der Auferstehung

³⁵ Es könnte aber jemand sagen: Wie werden die Toten auferstehen, und mit welchem Leib werden sie kommen?³⁶ Du Narr: was du säst, wird nicht lebendig, es sterbe denn.³⁷ Und was du säst, ist ja nicht der Leib, der werden soll, sondern ein bloßes Korn, etwa des Weizens oder eines der anderen Samens.³⁸ Gott aber gibt ihm einen Leib, wie er will, und einem jeden der Samen seinen eigenen Leib.³⁹ Nicht alles Fleisch ist einerlei Fleisch; sondern ein anderes Fleisch ist das der Menschen, ein anderes des Viehs, ein anderes der

niz; لیکن شأن آسمانها، دیگر و شأن زمینها، دیگر است؛⁴¹ و شأن آفتاب دیگر و شأن ماه دیگر و شأن ستارگان، دیگر، زیرا که ستاره از ستاره در شأن، فرق دارد.⁴² به همین نهج است نیز قیامت مردگان. در فساد کاشته می‌شود، و در بی‌فسادی برمی‌خیزد؛⁴³ در دلت کاشته می‌گردد و در جلال برمی‌خیزد؛ در ضعف کاشته می‌شود و در قوت برمی‌خیزد؛⁴⁴ جسم نفسانی کاشته می‌شود و جسم روحانی برمی‌خیزد. اگر جسم نفسانی هست، هرآینه روحانی نیز هست.⁴⁵ و همچنین نیز مکتوب است که: انسان اوّل، یعنی آدم نفس زنده گشت، اما آدم آخر روح حیات بخش شد.⁴⁶ لیکن روحانی مقدّم نبود بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی.⁴⁷ انسان اوّل از زمین است خاکی؛ انسان دوّم خداوند است از آسمان.⁴⁸ چنانکه خاکی است، خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه آسمانی است، آسمانها همچنان می‌باشند.⁴⁹ و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت.⁵⁰ لیکن، ای برادران، این را می‌گویم که گوشت و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود و فاسد وارث بی‌فسادی نیز نمی‌شود.

⁵¹ همانا به شما سرّی می‌گویم که: همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدّل خواهیم شد.⁵² در لحظهای، در طرفه العینی، به مجرّد نواختن صور اخیر، زیرا کَرِّنا صدا خواهد داد، و مردگان، بی‌فساد خواهند برخاست و ما متبدّل خواهیم شد.⁵³ زیرا که می‌باید این فاسد بی‌فسادی را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد.⁵⁴ اما چون این فاسد بی‌فسادی را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است: به انجام خواهد رسید که مرگ در ظفر بلعیده شده است.⁵⁵ ای موت، نیش تو کجا است؟ و ای گور، ظفر تو کجا؟⁵⁶ نیش موت گناه است و قوت گناه، شریعت.⁵⁷ لیکن شکر خدا راست که ما را به واسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می‌دهد.⁵⁸ بنابراین، ای برادران حیّی من، پایدار و بیتشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید، چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست.

Fische, ein anderes der Vögel.⁴⁰ Und es gibt himmlische Körper und irdische Körper; aber eine andere Herrlichkeit haben die himmlischen Körper und eine andere die irdischen.⁴¹ Eine andere Klarheit hat die Sonne, eine andere Klarheit hat der Mond, eine andere Klarheit haben die Sterne; denn ein Stern übertrifft den anderen an Klarheit.⁴² So ist auch die Auferstehung der Toten. Es wird gesät verweslich, und wird auferstehen unverweslich.⁴³ Es wird gesät in Unehre, und wird auferstehen in Herrlichkeit. Es wird gesät in Schwachheit, und wird auferstehen in Kraft.⁴⁴ Es wird gesät ein natürlicher Leib, und wird auferstehen ein geistlicher Leib. Gibt es einen natürlichen Leib, so gibt es auch einen geistlichen Leib.⁴⁵ Wie geschrieben steht: der erste Mensch, Adam, "wurde zu einer lebendigen Seele", und der letzte Adam zum Geist, der lebendig macht.⁴⁶ Aber der geistliche Leib ist nicht der erste, sondern der natürliche; danach der geistliche.⁴⁷ Der erste Mensch ist von der Erde und irdisch; der zweite Mensch ist vom Himmel.⁴⁸ Wie der irdische ist, so sind auch die irdischen; und wie der himmlische ist, so sind auch die himmlischen.⁴⁹ Und wie wir getragen haben das Bild des irdischen, so werden wir auch tragen das Bild des himmlischen.⁵⁰ Das sage ich aber, liebe Brüder, dass Fleisch und Blut das Reich Gottes nicht ererben können; auch wird das Verwesliche nicht erben das Unverwesliche.

⁵¹ Siehe, ich sage euch ein Geheimnis: Wir werden nicht alle entschlafen, wir werden aber alle verwandelt werden;⁵² plötzlich, in einem Augenblick, zur Zeit der letzten

Posaune. Denn es wird die Posaune erschallen, und die Toten werden auferstehen unverweslich, und wir werden verwandelt werden.⁵³ Denn dies Verwesliche muss anziehen die Unverweslichkeit, und dies Sterbliche muss anziehen die Unsterblichkeit.⁵⁴ Wenn aber das Verwesliche anziehen wird die Unverweslichkeit, und dies Sterbliche anziehen wird die Unsterblichkeit, dann wird erfüllt werden das Wort, das geschrieben steht:⁵⁵ "Der Tod ist verschlungen in den Sieg. Tod, wo ist dein Stachel? Hölle, wo ist dein Sieg?"⁵⁶ Aber der Stachel des Todes ist die Sünde; die Kraft aber der Sünde ist das Gesetz.⁵⁷ Gott aber sei Dank, der uns den Sieg gegeben hat durch unseren HERRN Jesus Christus!⁵⁸ Darum, meine lieben Brüder, seid fest, unbeweglich, und nehmt immer zu in dem Werk des HERRN, weil ihr wisst, dass eure Arbeit nicht vergeblich ist in dem HERRN.